

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل			
پیاده‌سازی	تصحیح و ویرایش اولیه	ذکر مأخذ	ویرایش دوم
			تکمیل مأخذ و ویرایش نهایی

عید فطر

شب عید فطر، آخرین فرصت بخشایش الهی

شب عید فطر بسیار عظیم‌القدر است و بنا به روایات پهلوی به پهلوی لیالی قدر می‌زند؛ با این امتیاز که لیلۃ‌القدر به صورت دقیق و معین شناخته شده نیست؛ اما شب اول ماه شوال قابل تشخیص است. این آخرین احتمال شب قدر و آخرین فرصت برای خسارت‌زدگان و محرومانی است که خود را دست‌خالی می‌بینند. آستانه‌ی عید فطر نقطه‌ی پایانی ارزیابی‌ها و دغدغه‌ی خاطر‌هاست. خدایا تو در این ماه شیطان را در غل و زنجیر کردی، درهای دوزخ را بستی، درهای بهشت را گشودی؛ ولی ما هیچ نکردیم. خدایا نکند دست رد بر سینه‌ی ما زده شود و جزو مردودان مدرسه‌ی ماه رمضان باشیم!

در این شب به درگاه خداوند روی آوریم و برای بی‌توجهی‌ها و تقصیرهایمان در هدر دادن لحظات بی‌نظیر ماه رمضان عذرخواهی و توبه و استغفار کنیم و از خدای متعال بخواهیم که در این فرصت آخر کار ما را و آشفستگی ما را سامان بخشد. مبدا تنبلی سراغ ما بیاید که بگذار افطار کنیم، بعد کمی استراحت، کمی صحبت و... دقایق گرانبهای شب عید فطر از دستمان برود. همین یک شب می‌توان کار را به سامان رساند. نباید مأیوس بود؛ در برابر خدایی که حتی دعای ابلیس را پس از آن تمرّد عجیب، رد نکرد، جایی برای یأس نیست. وقتی ابلیس از فرمان خدا در سجده بر آدم سر باز زد و با خدای متعال به مقابله برخاست و امر الهی را مردود و نادرست ارزیابی کرد که: **أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ**: من از او برترم زیرا تو مرا از آتش آفریدی و او را از گل، خدای متعال او را از درگاه خود راند: **قَالَ فَأَخْرِجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ؛ وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ**: بیرون شو که تو رانده‌ای و لعنت

من تا روز دآوری بر توست. آنگاه این موجود ملعون از خدای متعال درخواستی کرد: **أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ**: تا روز محشر به من مهلت بده و نابودم نکن. خدای متعال حتی دست رد بر سینه‌ی این ابلیس لعین نزد و فرمود: **قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ؛ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ!** تو از مهلت یافتگانی؛ تا روزی که آن زمان معین فرارسد. در خانه‌ی خدا جای ناامیدی نیست؛ در این شب از پیشگاه خدای متعال تقاضا کنیم که از تمام تقصیرات ما در این ماه بزرگ چشم‌پوشی کند و ما را از جمله‌ی بخشودگان و رهاشدگان از بند آتش غضب و سخط خود قرار دهد.

اعمال بسیار زیبا و نورانی شب عید فطر را در حدّ توان با شادابی و نشاط انجام دهیم. از یک سو ترس و بیم از کرده‌های خود و از دیگر سو امید و رجاء به فضل بی‌منتهای حضرت حق، ما را به بهره بردن از این فرصت نهایی برانگیزاند؛ تا با لطف و فضل عمیم پروردگار، آنچه از دست رفته، جبران شود. بنا به روایات خدای متعال در شب عید فطر، به اندازه‌ی مجموع کسانی که در کلّ ماه مبارک رمضان، مورد غفران و بخشش قرار داد و از بند دوزخ رها کرد، انسان‌ها را می‌بخشد. از اینجا می‌شود عظمت شب عید فطر را درک کرد و قدر دانست. گویا تمام فیوضات ماه مبارک رمضان زمینه‌ای برای رسیدن به این شب بوده است.

روز عید فطر، روز دیدار حقّ

عید فطر یکی از دو عید برجسته‌ای است که جهان اسلام آن را جشن می‌گیرند. عید در فرهنگ اسلامی یا متأثر از انتخاب یک راه درست در مسیر تعالی و تقرّب الی الله و جشن این انتخاب درست است، یا به خاطر یک تلاش موفق و نتیجه‌بخش در این مسیر است. لذا عید مبعث یا عید غدیر، عید انتخاب مسیر صحیح است و عید فطر و قربان جشن تلاش موفق در مسیر عبودیت و بندگی است. فردی که حجّ و عمره گزارده هنگامی که تلاشش به موفقیت می‌رسد، عید قربان را برپا می‌کند که عید عبودیت مطلق، عید سر بریدن نفس اماره و سر نهادن در مسیر بندگی حقّ متعال است. در عید

^۱ سوره‌ی ص، آیات ۷۶-۸۱.

فطر مؤمن روزه‌داری که یک ماه صیام و صبر و سیاحت در پیش گرفته و روزه را با همه‌ی ابعادش با موفقیت به انجام رسانده، و از ماه نزول قرآن، ماه نیایش و خلوت‌های سحر به شایستگی بهره برده است، در پایان ماه جشن پیروزی می‌گیرد.

روزه‌دارانی که یک ماه در مدرسه‌ی ماه رمضان درس بندگی آموختند، در روز عید گواهی فارغ‌التحصیلی دریافت می‌کنند. این عید بزرگ، عید ملاقات و عید عاشقان است. سالک تا به لقاء وصال نرسیده در این عالم روزه است؛ تا در فراق و هجران است رغبتی به خورد و خوراک ندارد؛ اما در لحظه‌ی ملاقات افطار می‌کند. لذا عید فطر عید دیدار است و آنجاست که سالک روزه‌اش را می‌شکند. افطار و ملاقات قرین همدند، روزه‌دار تا نگاهی به جمال محبوب خود نیندازد، دست به غذا نمی‌برد. عید فطر زمانی است که یک ماه تلاش، تهذیب نفس و حرکت در مسیر بندگی به نتیجه نشسته و حال که دیدار حاصل شده است، روزه‌دار دست به غذا می‌برد.

سالک همه‌ی عمر را گذرانده تا به این نقطه برسد. سالک از دنیا، از حیوانیت و جنبه‌های طبیعی روزه بوده است. همان‌طور که روزه‌دار در فاصله‌ی افطار تا سحر کمی می‌تواند بخورد و بیاشامد. سالک هم در دنیا این‌گونه است. خوردن سالک به حساب نمی‌آید؛ چون با اکراه و از سر ناچاری می‌خورد و عمل با اکراه اصلاً نوشته نمی‌شود. اگر روزه‌دار را به خوردن وادار کنند روزه‌اش باطل نمی‌شود. سالک نیز با اکراه و از سر اجبار از جنبه‌های طبیعی استفاده می‌کند و از عالم طبیعت لذت نمی‌برد. لذا مؤمن بکر است؛ بکر از این عالم می‌رود و بکر در آن عالم محشور می‌شود. مؤمنان در آن عالم بکر و دست نخورده‌اند؛ چون بی‌رغبت و به ناچار از عالم طبیعت استفاده کرده‌اند، مثل این است که هیچ نخورده و نیاشامیده‌اند! آن خوردن با رغبت در محضر دوست و هنگام دیدار محبوب است. آنجا که خوردن به عاشق می‌چسبد و با رغبت می‌خورد و می‌آشامد، بهشت است. اساساً بهشت بودن بهشت به همین است که سفره‌ی عنایات حق در پیشگاه او گسترده است. همه‌ی لذت بهشت این است که انسان در محضر محبوب بر سر سفره می‌نشیند؛ والاّ بهشت بدون دوست را باید هشت!

روز عید فطر، روزی است که سلوک عبادی ماه رمضان به شهود و ملاقات حق متعال منتهی می‌شود. همه‌ی سلوک‌ها، ریاضت‌ها و مجاهدت‌ها برای رسیدن به دیدار و وصال است. وقتی دیدار و وصال حاصل شد، ریاضت‌ها تمام می‌شود. روزه‌ی یک ماهه‌ی ماه مبارک رمضان، سلوکی به قصد ورود به روز عید فطر بود. روز عید روز میوه دادن بذرهای ریاضت و سلوک عبادی میهمان ضیافت الله است. روزی که به دیدار حضرت حق نائل می‌شود.

در دعاهای عید فطر بر این مضمون تأکید شده است. خصوصاً دعاهایی که صبح‌هنگام در حال بیرون آمدن از خانه و رفتن به محل نماز خوانده می‌شود. در آن دعاها آمده است که خداوندا اکنون به دیدار تو و به محضر تو می‌آیم. راه یافتن به محضر پروردگار و به حضور حق متعال، میوه‌ی سلوک یک ماهه‌ی ماه مبارک رمضان است. به همین خاطر روز اول ماه شوال عید است؛ عید رهایی از فراق و نائل شدن به وصال.

روز عید است و من امروز در آن تدبیرم که دهم حاصل سی‌روزه و ساغر گیرم

حاصل همه‌ی عبادات سی‌روزه نوشیدن شراب دیدار حق متعال است. برای چنین فردی، روز اول ماه شوال به‌راستی روز عید است. روز عید یعنی روز عود و بازگشت به همان جایی که از آن آمدیم. **إِنَّا لِلَّهِ وَ** **إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ**^۲؛ ما از خداییم و به‌سوی او بازمی‌گردیم. عید یعنی بازگشت به حقیقتی که از آن جدا شدیم؛ بازگشت به آن نیستان هستی مطلق که نی وجود ما از آنجا بریده شد. روز عید برای کسی است که این بازگشت برای او محقق می‌شود.

ما ز بالاییم و بالا می‌رویم ما ز دریاییم و دریا می‌رویم

^۲. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۵۶.

دعا کنیم عید فطر ما هم فرارسد. این خواسته برای خدا بزرگ نیست؛ گرچه برای ما آرزویی بسیار بزرگتر از حدّ ما به شمار می‌آید. ما کجا و این حرف‌ها کجا؟ وصال و لقاء و قرب؟! ولی، **إِنَّ جُودَكَ بَسَطَ** **أَمَلِي**^۳؛ بخشش تو این‌گونه آرزوهای من را گسترده است و چنین بلندپروازانه آرزومند وصالم.

آرزومند وصالیم خدایا می‌پسند ما چنین تشنه و دریای کرم مالامال

عید فطر، روز ارزیابی عملکرد یک ماه

روز عید فطر روز بسیار عجیبی است و چقدر به قیامت کبری و روز محشر شبیه است. روز محاسبه‌ی نفس و ارزیابی عملکرد کلّ این ماه و جایزه گرفتن از دست خداست. انسان صبح عید فطر که از خانه بیرون می‌رود، نگران است. صحنه‌ی خروج از منازل، خاطره‌ی محشر را تداعی می‌کند. همه از خانه‌ها به سمت مصلی بیرون می‌آیند و هرکس به خود مشغول است؛ مثل روزی که انسان‌ها از گورها بیرون می‌آیند و به محضر الهی می‌روند تا برای ارزیابی فرصت‌هایی که خداوند یک عمر در اختیارشان قرار داد حاضر شوند. کسانی که موفق بودند و به شایستگی این ماه را پشت سر گذاشتند، با شادمانی و سرور و بهجت می‌روند تا جایزه و پاداش خویش را دریافت کنند. اما کسانی که نتوانستند از این فرصت‌های طلایی درست بهره ببرند و آن را با غفلت و معصیت هدر دادند، شرافکنده و شرمسار مسیر را طی می‌کنند تا ببینند خدا با آنها چه می‌کند. به یاد داشته باشیم تمام رفتارها و کردارها، روحیات و خلیقات، اندیشه‌ها و عقاید ما روزی در محضر پروردگار مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

امام حسن مجتبی علیه السلام روز عید فطر از جایی می‌گذشتند؛ عده‌ای مشغول بازی و خنده و شوخی‌های بیهوده بودند. حضرت به آنها عتاب کردند و فرمودند: **إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ شَهْرَ رَمَضَانَ مِضْمَارًا لِخَلْقِهِ فَيَسْتَيْقُونَ فِيهِ بِطَاعَتِهِ إِلَىٰ مَرْضَاتِهِ فَسَبَقَ قَوْمٌ فَفَازُوا وَ قَصَرَ آخَرُونَ فَخَابُوا؛** خداوند در ماه رمضان بستری برای طاعت و نیل به رضای الهی فراهم کرد تا مردم با طاعات از هم پیشی بگیرند؛ عده‌ای پیشی گرفتند و رستگار شدند؛ اما گروهی کوتاه آمدند و زیانکار شدند. **فَالْعَجَبُ كُلُّ الْعَجَبِ مِنْ ضَاحِكٍ لَاعِبٍ فِي الْيَوْمِ الَّذِي يُنَابُ فِيهِ**

^۳. سیدین طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۱۶۸؛ محدث قمی، مفاتیح الجنان، دعای ابو حمزه‌ی ثمالی.

الْمُحْسِنُونَ وَ يَخْسَرُ فِيهِ الْمُبْطِلُونَ: جای شگفتی و بسیار شگفتی است از آن که مشغول خنده و بازی است در روزی که محسنان پاداش می‌گیرند و کسانی که این ماه را به بطالت طی کردند، زیان می‌بینند. وَ اِنَّ اللَّهَ لَوْ كُشِفَ الْعِطَاءُ لَعَلِمُوا اَنَّ الْمُحْسِنَ مَشْغُولٌ بِاِحْسَانِهِ وَ الْمُسِيءَ مَشْغُولٌ بِاِسَاءَتِهِ^۴: به خدا سوگند اگر پرده از برابر چشم شما هم کنار می‌رفت، می‌دیدید که نیک‌رفتار به نیکی‌های خود مشغول است و بدکار به بدی‌های خود گرفتار است.

شبيه همین تعبیر از امام علی عليه السلام در خطبه‌ی عید فطر روایت شده است. حضرت فرمودند: هَذَا يَوْمٌ يُثَابُ فِيهِ الْمُحْسِنُونَ وَ يَخْسَرُ فِيهِ الْمُسِيئُونَ: در این روز نیکان و نیک‌رفتاران پاداش می‌گیرند و بدکاران ضرر می‌کنند. وَ هُوَ اَشْبَهُ يَوْمٍ بِيَوْمِ قِيَامَتِكُمْ فَادْكُرُوا بِخُرُوجِكُمْ مِنْ مَنَازِلِكُمْ اِلَى مُصَلَّاتِكُمْ خُرُوجَكُمْ مِنَ الْاَجْدَاثِ اِلَى رَبِّكُمْ: و این شبیه‌ترین روز به روز قیامت است؛ پس با خروج از منزل‌ها، خارج شدنتان را از قبرها به سوی پروردگارتان به یاد آورید. این روز را که می‌بینی، یادت باشد یک‌روز همین‌طور از قبرت بیرون می‌آیی تا در پیشگاه عدل الهی کارنامه‌ی عملت را تحویل بگیری.

وَ ادْكُرُوا بِوُفُوفِكُمْ فِي مُصَلَّاتِكُمْ وَ فُوفِكُمْ بَيْنَ يَدَي رَبِّكُمْ وَ ادْكُرُوا بِرُجُوعِكُمْ اِلَى مَنَازِلِكُمْ رُجُوعَكُمْ اِلَى مَنَازِلِكُمْ فِي الْجَنَّةِ اَوْ النَّارِ: و با ایستادن در مصلی ایستادن خود را در برابر پروردگارتان به یاد آورید؛ و پس از نماز هنگام بازگشت به خانه رفتن خود را به خانه‌های بهشتی یا جهنمی خود یاد کنید. وَ اعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ اَنَّ اَدْنَى مَا لِلصَّائِمِينَ وَ الصَّائِمَاتِ اَنْ يُنَادِيَهُمْ مَلَكٌ فِي آخِرِ يَوْمٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ اَبَشِرُوا عِبَادَ اللَّهِ فَقَدْ غُفِرَ لَكُمْ مَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِكُمْ فَانظُرُوا كَيْفَ تَكُونُونَ فِيمَا تَسْتَأْنِفُونَ^۵: ای بندگان خدا بدانید کمترین چیزی که خدا به مردان و زنان روزه‌دار پاداش می‌دهد، این است که در آخرین روز ماه رمضان ملکی ندا می‌دهد که بشارت باد بر شما ای بندگان خدا، تمام گناهان گذشته‌ی شما بخشیده شد، پس در آنچه پیش رو

^۴. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۰ و ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۳۶.

^۵. حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۴۸۲؛ صدوق، آمالی، ص ۱۰۰.

دارید و در آینده‌ی زندگیتان دقت کنید که چگونه رفتار خواهید کرد. از این پس عمل خود را تغییر دهید.

امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: **إِذَا طَلَعَ هَالِلٌ شَوَّالٍ نُودِيَ الْمُؤْمِنُونَ أَنْ اغْدُوا إِلَى جَوَائِزِكُمْ فَهُوَ يَوْمُ الْجَائِزَةِ**؛ هنگامی که هلال ماه شوال آشکار می‌شود ندا می‌دهند ای مؤمنان به سوی جایزه‌هاتان پیش آید پس این روز جایزه است. روز اول شوال فقط برای کسی عید است که اعمالش در پیشگاه الهی مقبول شده است؛ والا برای آنان که چنین فرصت عظیمی را از دست داده‌اند روز عزا است. عید فطر عالم بیرون غیر از عید فطر عالم درون است، من باید دنبال عید فطر خود بگردم. امیرالمؤمنین فرمودند عید فطر تو زمانی می‌رسد که صیام تو مقبول درگاه الهی و قیام تو مشکور پیشگاه الهی واقع شود: **إِنَّمَا هُوَ عِيدٌ لِمَنْ قَبِلَ اللَّهُ صِيَامَهُ وَ شَكَرَ قِيَامَهُ وَ كُلُّ يَوْمٍ لَا يُعْصَى اللَّهُ فِيهِ فَهُوَ يَوْمٌ عِيدٌ**^۶؛ این روز برای کسی عید است که خدا روزی او را قبول کرده و شب‌زنده‌داری‌ها و نمازهای او را سپاس گزارده و پذیرفته است. و هر روزی که خداوند در آن نافرمانی نشود، عید است. **لَيْسَ الْعِيدُ لِمَنْ لَيْسَ الْجَدِيدَ إِنَّمَا الْعِيدُ لِمَنْ آمَنَ الْوَعِيدَ**^۷؛ عید برای کسی نیست که جامه‌ی نو پوشیده؛ بلکه برای کسی است که وعده‌ی امان از عذاب اخروی را دریافت کرده و در امان قرار گرفته است.

از خداوند می‌خواهیم روز اول شوال را به حقیقت برای ما عید قرار دهد و ما را از برکات این عید عظیم بهره‌مند گرداند و اندوه جدایی از ماه مبارک رمضان را با شادی عطایا و الطاف و عنایات خود در روز عید فطر جبران فرماید. اولیای خدا در روز عید فطر نیمی از وجودشان را غم و نیم دیگر را شادی فراگرفته است؛ شادی عید و سوگ از دست رفتن ماه محبوب و دوست‌داشتنی رمضان. اولیای خدا در فراق ماه رمضان داغدارند. مثل کسی که عزیزترین فرد خود را از دست داده است. ماهی که به تعبیر

^۶. صدوق، آمالی، ص ۴۷.

^۷. شریف‌رضی، نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷، ص ۵۵۱؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۰۸.

^۸. ری شهری، میزان‌الحکمه، ج ۷، ص ۱۳۱.

رسول الله ﷺ ساعاتش برترین ساعات و روزهایش بهترین روزها بود، ماه آزادی اسیران آتش و اسیران غضب الهی، ماه ورع و تقوا، ماه مناجات و شب‌زنده‌داری و ماه لطافت‌های عارفانه‌ی عبادی، با تمام جمال و جلالش رفت و ما را تنها گذاشت. در ادعیه‌ی پایان ماه و آغاز عید نیز این دو جنبه به چشم می‌خورد.

عید رمضان آمد و ماه رمضان رفت صد شکر که این آمد و صد حیف که آن رفت

عید فطر، روز توبه

عید فطر روز توبه و استغفار و احساس شکستگی است. مؤمن علی‌رغم عبادت‌هایی که یک ماه انجام داده خود را دست خالی می‌بیند. از خود هیچ ندارد؛ بدنی که با آن عبادت کرد و توان و توفیق، و فهم و هدایت و حیات همه از خداست. به‌علاوه عمل او هر چقدر زیاد باشد، در برابر کرم الهی و در برابر حق خدا بسیار ناچیز است؛ لذا مؤمن دچار عجب نمی‌شود و مطابق روایات اگر عبادت همه‌ی اهل عالم را داشته باشد، باز خود را دست خالی می‌بیند.

یکی از چیزهایی که با تمام شدن ماه رمضان جگر انسان را می‌سوزاند، از دست دادن فرصت دعای سحر ابوحمزه است. همان‌جا امام سجّاد به خداوند عرضه می‌دارند: خدایا من چگونه اعمال خودم را زیاد بشمارم، در برابر کرم تو اعمال من هیچ نیست. روز عید فطر مؤمن باید چنین احساسی داشته باشد. اگرچه روزه گرفته، شب زنده‌داری کرده، دعا و ذکر و تلاوت قرآن داشته، هر کاری کرده، وقتی به سمت مصلی راه می‌افتد با حال شرمندگی و احساس تهیدستی می‌رود. حق مطلب همین است که مؤمن اگر یک‌تنه همه‌ی عبادات اهل عالم را داشته باشد، به حساب خود نمی‌گذارد. می‌گوید این پیکری که با آن عبادت کردم مال خداست؛ فهم و شعور و حیات و قوتم و توفیق به جا آوردن این عبادت، همه از خداست؛ از خود هیچ ندارم تا این عبادت را به حساب خودم بگذارم. از آن طرف عظمت حق الهی را می‌بیند، و عمل خود را کوچک می‌یابد؛ عظمت نعمت‌های الهی را می‌بیند و شکر خود را حقیر می‌داند. پس به‌جای غرور احساس شرمندگی می‌کند. از این عبادت دست و پا شکسته

احساس سرشکستگی می‌کند که خدایا نتوانستم زینده و شایسته‌ی شما ادب بندگی را به جا آورم. قلب مؤمن داغدار است.

چگونه سر ز خجالت برآورم بر دوست که خدمتی به سزا بر نیامد از دستم

ابوحمزه‌ی ثمالی دعایی از امام باقر علیه السلام برای صبح عید، اعم از عید فطر و قربان یا روز جمعه که عید عمومی مسلمانان است، روایت کرده که هنگام مهیا شدن و رفتن به مصلی خوانده می‌شود: **اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ فِي هَذَا الْيَوْمِ أَوْ تَعَبَّ أَوْ أَعَدَّ أَوْ اسْتَعَدَّ لَوْفَادَةِ إِلَى مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رِفْدِهِ وَ نَوَافِلِهِ وَ فَوَاضِلِهِ وَ عَطَايَاهُ: خدایا کسانی در این روز خود را آماده و مهیا کرده و ساز و برگ عید را فراهم کرده و مستعد شده‌اند که به دیدار مخلوق صاحب مکنتی بروند؛ به امید آنکه عطا و بخشش و احسانی نصیب آنها شود. فَإِنَّ إِلَيْكَ يَا سَيِّدِي تَهَيَّئِي وَ تَعَيَّنِي وَ اِعْدَادِي وَ اسْتِعْدَادِي رَجَاءَ رِفْدِكَ وَ جَوَائِزِكَ وَ نَوَافِلِكَ وَ فَوَاضِلِكَ وَ عَطَايَاكَ: خدایا دیگران به ملاقات قدرتمندان، ثروتمندان و صاحبان جاه می‌روند؛ اما همه‌ی تدارک و ساز و برگ من و تهیه دیدن و آماده شدنم به امید عطایا و بخشش توست. ای معبود من، محبوب من! فقط به‌سوی تو می‌آیم. اگر خود را آماده می‌کنم و مقدماتی فراهم می‌کنم، فقط برای دیدار تو و عطایای توست. این دعا آموزه‌ی بسیار بزرگ تسلط روح توحیدی را بر انسان عارف نشان می‌دهد؛ انسانی که به احدی از خلق اعتنا ندارد و نگاهش فقط به خدای متعال است. این روح موحد یکی از شاخصه‌های بلند انسان عارف است.**

وَ قَدْ غَدَوْتُ إِلَى عِيدٍ مِنْ أَعْيَادِ أُمَّةٍ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ: خدایا من امروز صبح آماده شدم برای یکی از اعیاد امت پیامبر تو که صلوات خدا بر او و خاندانش باد. وَ لَمْ أَفِدْ إِلَيْكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ أَتَّقِي بِهِ قَدَمَتَهُ وَ لَا تَوَجَّهْتُ بِمَخْلُوقٍ أَمَلْتُهُ: خدایا نزد تو می‌آیم؛ اما هیچ عمل صالحی در بساطتم نیست و شرمنده‌ی یک عمر بطالت هستم. عملی نیآورده‌ام که در قبال آن مزد و پاداشی بگیرم؛ ولی از آن طرف هم به هیچ مخلوق دیگری رو نیآوردم. این شاخصه‌ی دیگر انسان عارف است که در اوج طاعات و عبادات همواره خود را در پیشگاه خدا دست خالی می‌بیند. وَ لَكِنَّ أَتَيْتُكَ خَاضِعاً مُقِرّاً بِذُنُوبِي وَ إِسَاءَتِي إِلَى نَفْسِي فَيَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ اغْفِرْ لِي الْعَظِيمَ مِنْ ذُنُوبِي فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ إِلَّا أَنْتَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا

أَنْتَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ^۹؛ خدایا آمدم؛ اما سرافکنده، درهم شکسته، و درحالی که به گناهانم و بدی‌های که در حقّ خویش کردم اقرار می‌کنم. پس ای خدای بزرگ، ای خدای بزرگ، ای خدای بزرگ، گناهان بزرگ مرا ببخش که بخشنده‌ای جز تو برای گناهان بزرگ وجود ندارد؛ ای کسی که جز تو محبوب و معبودی نیست؛ ای مهربان‌ترین مهربانان. سه بار یا عظیم گفتن در این دعا معانی متعدّد و متنوعی می‌تواند داشته باشد. ای خدای عظیم که عظمتت هم در دنیا است هم در برزخ هم در قیامت، هم در ظاهر و در باطن و در سرّ عالم.

این دعا انسانی را که با تقلاً و تلاش خود عباداتی انجام داده و در معرض نوعی غرور قرار گرفته است، با لطافت و حال عارفانه‌ی زیبایی، به انکسار و خشوع می‌رساند تا با شرمندگی به سمت مصلّی رود؛ با این احساس که در ماه رمضان نتوانستم کاری کنم که بتوان بر آن تکیه کرد یا امید بست؛ جز این امید که خداوند متعال او را مشمول رحمت و رأفتش قرار دهد.

نماز و زکات عید فطر

عید فطر جنبه‌های زیبایی دارد. از نماز عید که وقت مناسب آن بعد از طلوع خورشید است تا زکات فطره که نوعی احساس همدردی و گام برداشتن در راه رفع نیاز محرومان است. زکات بدن و روح، هر دو را باید پرداخت. زکات فطره زکات بدن است و کسانی که مشمول حکم فقهی می‌شوند از مال خود می‌پردازند؛ اما زکات روح، جانبازی از عمر و روح و دل در مسیر محبوب است. زکات روح و جانمان را به محبوبمان بپردازیم و از سرمایه‌ی عمر و جان و روح و دل در راه او بگذریم.

روز عید فطر، روز بسیار عظیمی است. حضور جمعیت عظیم مسلمانان در مراسم نماز عید فطر عظمت اسلام را عرضه می‌کند. گاهی ممکن است ظاهر گناه‌آلود جامعه یأس و رنجشی در دل انسان بیفکند و بیندیشد که دین در جامعه کمرنگ شده است. همچون وقتی که سیلاب به راه می‌افتد و خس و خاشاک سطح آب زلال را فرا می‌گیرد؛ اما با کنار زدن خس و خاشاک رویین، آب زلال از عمق هویدا

^۹. مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۶، ص ۳۲۹؛ محدّث قمی، مفاتیح‌الجنان، اعمال روز عید فطر.

می‌شود. نماز عید و جمعیت نمازگزاران همان آب زلال است که ورای ظاهر گناه‌آلود جامعه متجلی می‌شود. نمازگزار بر دو پا قیام می‌کند و در پیشگاه حضرت حق می‌ایستد. اینکه بر دو پا می‌ایستد، شاید به این معنی است که بر پای خوف و بر پای رجاء قیام کرده است؛ خوف از کاستی‌ها و تقصیرهای خویش و رجاء به رحمت و فضل بی‌منتهای الهی. نمازگزار با چنین توجّهی به نماز عید می‌ایستد و می‌داند که همه‌ی اعمال و عبادات او در مقایسه با حقّ عظیم الهی هیچ است و تنها به فضل حضرت حقّ امید دارد.

در قنوت این نماز پرشکوه که در رکعت اول پنج بار و در رکعت دوم چهار بار خوانده می‌شود با آن تعابیر بسیار زیبا و پرمغز، کمالات خداوند را یادآور می‌شویم: **اللَّهُمَّ أَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ وَ أَهْلَ الْجُودِ وَ الْجَبْرُوتِ وَ أَهْلَ الْعَفْوِ وَ الرَّحْمَةِ وَ أَهْلَ التَّقْوَى وَ الْمَغْفِرَةِ**؛ خدایا به خودت نگاه کن که اهل کبریا و عظمتی، اهل جود و جبروت و عفو و رحمتی، اهل تقوی و مغفرتی. خدایا تو این‌گونه هستی؛ نگاه نکن من چگونه‌ام و این کیست که از تو درخواست می‌کند. **أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيداً وَ لِمُحَمَّدٍ ۶ ذُخْراً وَ شَرْفاً وَ كَرَامَةً وَ مَزِيداً أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ**؛ خدایا به حقّ این روز که آن را برای مسلمانان عید قرار دادی و برای پیامبر اکرم، که درود خدا بر او و خاندانش باد، ذخیره و مایه‌ی شرافت و کرامت و بزرگی و فزونی قرار دادی، از تو می‌خواهم که بر پیامبر اکرم و خاندان او درود فرستی. **وَ أَنْ تُدْخِلَنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ أَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُخْرِجَنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ**؛ و درخواست می‌کنم که در همه‌ی خوبی‌هایی که پیامبر اکرم و خاندان او را وارد کردی، مرا هم وارد کنی. ببینید این دعاکننده چه همّت بلندی پیدا کرده است. این اشتیهای عظیم که همه‌ی خوبی‌های پیغمبر و اهل بیتش را برای خود طلب می‌کند، میوه‌ی یک ماه عبادت ماه مبارک رمضان است؛ می‌خواهد پیغمبرنما و امام نما شود. آنگاه می‌گوید خدایا از همه‌ی بدی‌هایی که پیغمبر اکرم و اهل بیت او را بیرون آوردی و ایشان را پاک و منزّه کردی، مرا هم بیرون آور. حواسمان باشد چه می‌خواهیم! این مقام عصمت است که از خداوند طلب می‌کنیم؛ آن هم نه عصمت سایر انبیاء که ترک اولی در آن قابل تصوّر است؛ بلکه عصمت خاتم الانبیاء! این تعبیر انسان را

درمانده‌ی خود می‌کند؛ خدایا چگونه و با چه جرأتی چنین خواسته‌هایی را بر زبان می‌آوریم! ما را در همه‌ی خیراتی که پیغمبر و اهل بیت علیهم‌السلام وارد شدند، وارد کن و از همه‌ی بدی‌هایی که آنان دور شدند، دور کن! ما کجا و این قلّه‌های بلند کجا که حتی تصوّرش دسترسی ناپذیر است.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا سَأَلَكُ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ وَ أَعُوذُ بِكَ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ عِبَادُكَ الْمُخْلِصُونَ^{۱۰}؛ خدایا من بهترین چیزهایی را که بندگان صالحت از تو درخواست کردند، از تو درخواست می‌کنم؛ و از هرآنچه بندگان مخلص تو پناه می‌بردند، به تو پناه می‌برم. آن بندگان خالص‌شده‌ی مطلق که جز خدا در وجودشان نیست، از چه چیز می‌گریختند و به تو پناه می‌بردند، خدایا مرا از همان پناه بده.

عید فطر با آموزه‌های بسیار عظیمش تبلور سازندگی‌های ماه مبارک رمضان است. این روحیات زیبای عارفانه، این حالت‌ها و خواسته‌های بلند و این همّت‌های والا که چنین قلّه‌هایی را طلب می‌کند، فقط از کسی برمی‌آید که در مدرسه‌ی ماه رمضان تربیت شده و اکنون روحی پیدا کرده که دعاها و آرزوهایش چنین اوج گرفته است.

عید فطر روز پیوند قلبی با امام عصر ارواحنا فداه

عید فطر، روز اظهار محبت به همه‌ی بشریت و احساس یگانگی و نزدیکی قلبی با همه‌ی انسان‌هاست؛ و به‌طور خاص روز پیوند جدی قلبی با رهبران و اولیای الهی و تجدید عهد با امام عصر ارواحنا فداه است. در مصلاّی عید فطر این اندیشه به ذهن هر مؤمنی راه پیدا می‌کند که امام این مصلاّی باید امام عصر ارواحنا فداه باشد؛ اینجا جایگاه آن بزرگوار است. اساساً نماز عید فطر در دوران غیبت نه وجوب و نه حتی استحباب مستقل دارد؛ رجاء خوانده می‌شود. این نماز باید در محضر امام معصوم گزارده شود؛ گرچه همین نمازی که رجاء خوانده می‌شود بسیار عظیم و سازنده است؛ ولی داغ فراق حجت خدا و آرزوی دیدار آن بزرگوار را در دل‌ها زنده می‌کند. غیبت امام عصر ارواحنا فداه شادی این عید و لذت آن حضور یکپارچه در نماز عید را از کام ما بیرون برده است. محروم شدن از شادی عید اثر نفرین

^{۱۰}. سیدبن طاووس، اقبال‌الاعمال، ج ۱، ص ۲۸۹؛ قمی، مفاتیح‌الجنان، اعمال روز عید فطر.

امیرالمؤمنین علیه السلام بر مردم ناسپاسی بود که آن‌گونه با حضرت رفتار کردند و ایشان فرمودند: خدا با لذت عید را از اینان بگیر.

یکی از اعمال بزرگ و مستحبّ عید فطر دعای ندبه است؛ آن مناجات عاشقانه و گفتگوی توأم با شیدایی و اشتیاق یک منتظر حقیقی که به دنبال مولای خویش می‌گردد: **أَيْنَ بَقِيَّةِ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْلُو مِنْ الْعِتْرَةِ الْهَادِيَةِ الطَّاهِرَةِ أَيْنَ الْمَعْدُ لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ**^{۱۱}: کجاست بقیه‌اللّهی که از خاندان هدایتگر پیامبر جدا نیست؟ کجاست آن‌که برای قطع ریشه‌ی ستمکاران آماده است؟ این حال و هوای کسی است که صبح از منزل بیرون می‌آید و به نماز عید فطر می‌رود و از خدای متعال می‌خواهد عید او را با صدور امر فرج حجت خود، به حقیقت عید تبدیل کند و آن شادمانی عظیم را به شادمانی موقّیت در دوره‌ی عبادی ماه مبارک رمضان بیفزاید.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

^{۱۱}. سیدبن طاووس، اقبال‌الاعمال، ج ۱، ص ۲۹۷؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۷.